

قضیه میرمها و خلیج فارس و محاصره و تصرف بصره از دیگر مباحث این فصل می‌باشند. در فصل سوم، زیر عنوان «ایران در دوران فرمانروائی کریم خان» اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور در دوران حاکمیت وکیل بررسی می‌شود: قلمرو، طوایف، مالیات و درآمدها، وضعیت ایالات، سیاست مذهبی، روابط و تجارت خارجی با کشورهای هلند، فرانسه و کمپانی هند شرقی از اهم موضوعات این فصل می‌باشند. پری در این فصل به تبیین تئوری حکومت مرکزی وکیل و تعریف چارچوب نظری و عملی آن می‌پردازد. او می‌نویسد: «در جابجائی کلمات دوله (وکیل الدوله) و «رعایا» (وکیل الرعایا) تفسیر اغراق آمیز اعلام رسمی خلع شاه سوم را نیز می‌توان در نظر گرفت»^۶. کریم خان می‌بایستی از مشروعیت مذهبی خویش یعنی نظیر آنچه در حکومت صفویان وجود داشت صبر نظر کند و به گونه‌ای ظاهری شاه دست نشانده‌اش را حفظ کند تا خطر رسوائی غصب سلطنت را پذیرا نگردد^۷. «معهدی وی خویشتن را واسطه‌ای میان توده مردم و سلطانی واقعاً سمبولیک نشان می‌داد»^۸ در عین حال مؤلف بدرستی تأکید می‌کند که «چنین نظریه‌ای در باب حکومت جز آنکه اشاره‌ای دائمی به گذشته باشد اثری دیگر نداشت»^۹ اما مؤلف در تلاش برای تبیین تئوری حکومت مرکزی در این دوره پرسشی اساسی را نادیده گرفته است، اینکه آیا تغییر عنوان وکیل الدوله به وکیل الرعایا صرفاً موضعی بینابین و تلاشی نه چندان قاطع برای اعلام استقلال از شاه دست نشانده صفوی بود؟ آیا نمی‌توانست بازتابی از ماهیت قدرت سیاسی وکیل باشد؟ در تحلیل این مسئله به سر موضوع باید توجه داشت: ابتدا اینکه یکی از پایه‌های اصلی اقتدار صفویه که همانا ادعای آنها مبتنی بر مشروعیت حکومت بود، در این دوره وجود نداشت و وکیل ریاست معنوی را به صفویه واگذار کرده بود. دوم اینکه در اندیشه سیاسی اسلام و در نهادهای رسمی حکومتی (اسلامی - ایرانی) ایالات و طوایف جایی نداشتند حال آنکه حکومت خان زند تا به آخر متکی به ایالات بود و ایالات از عناصر اصلی ساختمان سیاسی زندیه بشمار می‌آمدند. وکیل نه ادعای ظل‌اللهی داشت و نه مدعی مشروعیت بود، بنابراین تئوریهای سیاسی و از جمله تئوری سیاسی صفویه نه تنها فاقد ارزش عملی بودند که از نظر صوری و نظری نیز از اهمیت چندانی برخوردار نبودند. سوم اینکه نظام پادشاهی ایران در طول تاریخ همواره از یک سو دارای مرکزیت و از سوی دیگر تعدد قدرت بود که به شکل خودمختاری منطقه‌ای و فعالیت مستقل طوایف تجلی می‌نمود، بنابراین تقابل دایمی بین مرکز و نیروهای مستقل بویژه ایالات از ویژگیهای تاریخ ایران بود، اما فرمانروائی وکیل از معدود دوره‌های تاریخی ایران بود که این تصادمات بسیار کاهش یافت و تلفیقی مؤثر بین نظام مستقر و متمرکز سیاسی با ایالات بوجود آمد. او که به گفته هورن و آنچنانکه ذنبلی نیز آن را تأیید کرده است، یک ریش سفید طایفه و کدخدا بود تا پادشاه^{۱۰}، هیچگاه قدرتی مطلق و افسار گسیخته که از ویژگیهای نظام پادشاهی ایران بود اعمال نگردد، در عین حال که در زمینه سیاستهای عملی نیز قدرتی بسیار فراتر از قدرت شخصی و غیرمتمرکز یک خان اعمال

می‌نمود. او فرمانروائی مناطق و ایالات را بدون در نظر گرفتن ضوابط اساسی به رهبران طوایف مورد اعتمادش واگذار می‌کرد ولی کنترل سیاست مرکزی را در اختیار خویش داشت. ^{۱۱} بنابراین ماهیت و شکل حکومت وکیل را نمی‌توان در چارچوب شکل‌بندیهای رایج نظام سیاسی ارزیابی نمود، که تبیینی دقیق‌تر از ماهیت قدرت سیاسی وکیل که پیوند تنگاتنگی با وکیل الرعایا دارد، ضروری بنظر می‌رسد.

همانطور که گفته شد مؤلف در برخی موارد اشتباهاتی نموده که بطور عمده توسط مترجم تصحیح شده است، اما مواردی نیز از نگاه دقیق و باریک بین مؤلف و مترجم دور مانده است. یکی از موارد مسئله شورش زکی خان و نقش علی محمد خان زند در این شورش می‌باشد. مؤلف به اشتباه ادعای نامی را به گلستانه نسبت داده است. او می‌نویسد «گلستانه ادعا می‌کند که صدور فرمان کور کردن علی محمد خان از سوی وکیل جعلی بوده است ولی از نقطه نظر سیاست غالب کشور به روشنی امکان پذیر بوده است. ^{۱۲} حال آنکه گلستانه در همان صفحه‌ای که آقای پری به آن استناد کرده، نوشته است: وکیل «رقمی بنزد زکی خان نوشت که علی محمد خان زند ولد محمد خان را که در بروجرد بنای خودسری و طغیان گذاشته بود گرفته هر دو چشم او را از حلیه بینائی عاری سازد و علی محمد خان ... همشیره زاده زکی خان بود»^{۱۳}.

اما تاریخ گیتی گشا بر جعلی بودن این نامه و ساختگی بودن آن توسط بختیارها تأکید کرده است^{۱۴} و مؤلف نیز از همین گزارش استفاده نموده، می‌نویسد بختیارها در غیاب زکی خان از اصفهان فرمانی از طرف وکیل به زکی خان نوشتند که طی آن به زکی خان دستور داده شده بود علی محمد خان حاکم بروجرد را دستگیر و

کور نماید. ^{۱۵}

در مجموع می‌توان کتاب «کریم خان زند» را با همه کمی و کاستی‌هایش یکی از جامع‌ترین تألیفات در تاریخ زندیه بشمار آورد که مباحثی جدید و اساسی را پیش روی محققان این دوره قرار می‌دهد.

پی‌نوئیس‌ها:

- John R. Perry, Karim Khan Zand, The University of Chicago Press, 1979.
- جان ر. پری، کریم خان زند، ترجمه علی محمد ساکی، تهران، فراز، ۱۳۶۵، شانزده + ۲۸۰ ص.
- ۱- پری، ص. سیزده
- ۲- این کتاب ویژه نوجوانان می‌باشد.
- ۳- پری، ص. سیزده
- ۴- بطور مثال در مورد نسبت نظر علیخان و اسمعیل خان فیلی در صفحه ۱۶۶ و یا ارتباط و خویشی لطفعلیخان و کریم خان در صفحه ۲۱۴.
- ۵- در ترجمه فارسی در صفحه فهرست مطالب به اشتباه ۴۲-۱۷۳۶ م. درج شده است.
- ۶- پری، ص. ۳۰۷.
- ۷- همان.
- ۸- همان، ص. ۳۰۸.
- ۹- همان.
- ۱۰- همان، ص. ۳۰۹.
- ۱۱- همان، پاورقی، ص. ۱۵۵.
- ۱۲- ابوالحسن گلستانه، **مجموع التواریخ، صص ۳۰-۳۱**
- ۱۳- محمد صادق نامی، **تاریخ گیتی گشا، صص ۱۱۱-۱۲**
- ۱۴- پری، صص ۵-۱۵۴.

ضرورت تدوین «کتابشناسی نقد کتابهای تاریخی»

مقدار نیز مورد استفاده لازم قرار نمی‌گیرد. نقدی نوشته می‌شود و اثری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ نشریه حاوی نقد، یا به بوته فراموشی سپرده می‌شود و یا در بخش نشریات کتابخانه‌ها خاک می‌خورد؛ کتاب مورد نقد نیز همچنان تجدید چاپ می‌گردد، بدون آن که تسل‌های بعد، از چند و چون آن آگاه گردند. چه باید کرد؟ تدوین کتابشناسی نقد کتابهای تاریخی راه چاره و نیاز پژوهشگران ماست. این کار همتی می‌طلبد و کاری است ارزشمند و ماندگار. در آن صورت با در اختیار داشتن آن حداقل می‌توان دریافت که درباره فلان کتاب تاریخی مطلبی نوشته شده است یا خیر. تدوین کتابشناسی نقد کتابهای تاریخی می‌تواند برای اهل پژوهش بسیار کارآمد باشد.

نقد کتاب کرچه در کشور ما به صورت یک سنت علمی درنیامده، با این حال در چند دهه اخیر کم و بیش رواج داشته است. در سالهای قبل از انقلاب نشریاتی نظیر راهنمای کتاب، سخن، یغما، هنر و مردم در هر شماره خود بخشی را به نقد کتاب اختصاص می‌دادند. بویژه مجله راهنمای کتاب، حاوی مقالات ارزنده‌ای از اهل قلم و اندیشه بود که در آن، کتابهای تازه در حوزه تاریخ را مورد ارزیابی قرر می‌دادند.

در سالهای اخیر این روند کم و بیش جریان داشته است. نشریاتی نظیر نشر دانش، کیهان فرهنگی، کلک و ... بدین مهم پرداخته‌اند. به نظر نمی‌رسد نیازی به یادآوری ضرورت نقد کتاب باشد. نکته مهم این است که در کشور ما با این که نقادان همواره ملاحظه نویسنده و صاحب اثر را دارند، این

مسعود جوادیان